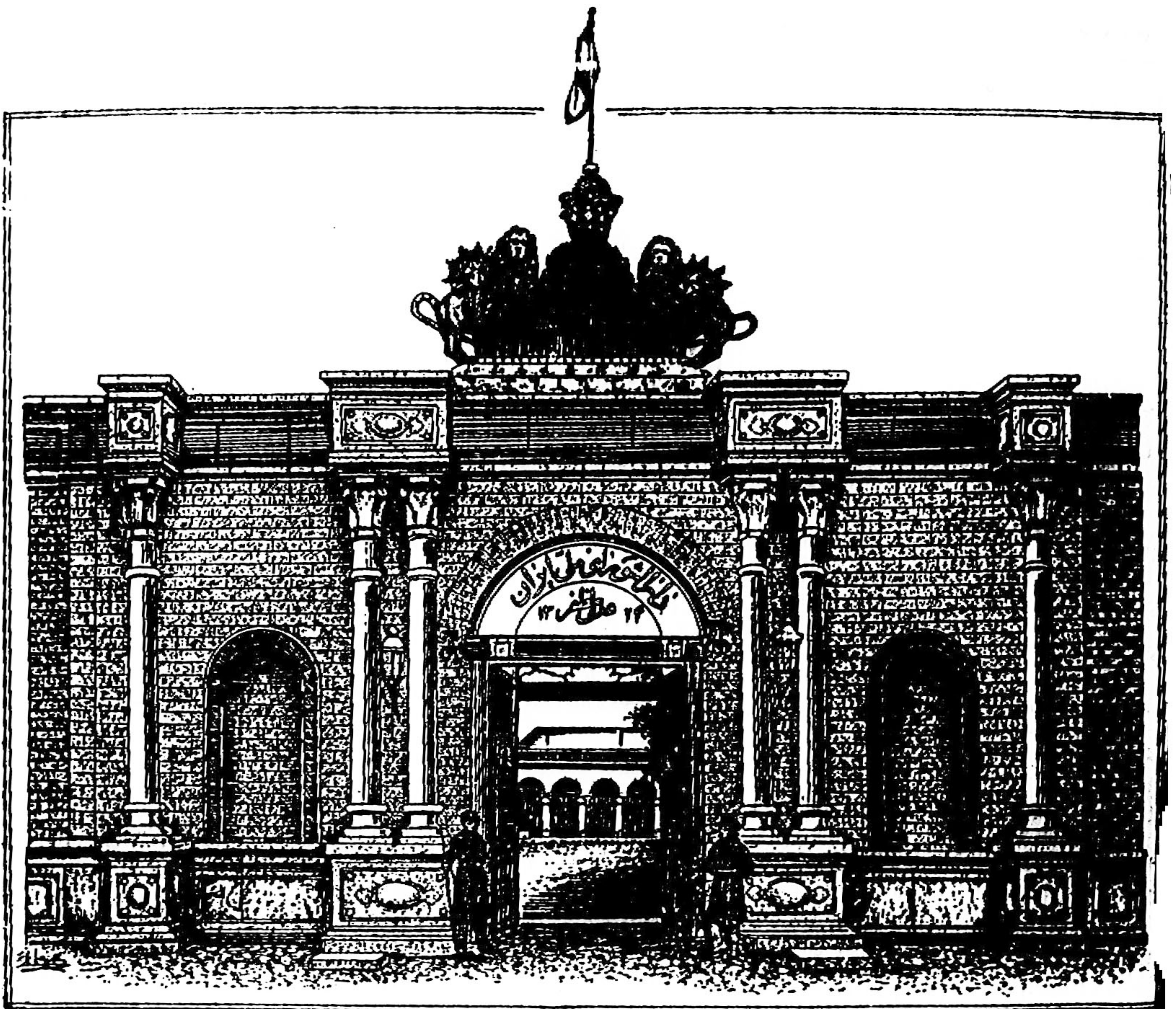


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۳</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیله یک شنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای بامداد از آقای معاون وزارت فوائد عامه راجع به راه شیراز و جواب آقای معاون	۳۸۲۲	۳۸۲۳
۲	بقیه مذاکرات نسبت به لایحه اجازه پرداخت بودجه مملکتی در اسفند ماه ۱۳۰۶ بر طبق تشخیص و تصویب کمیسیون بودجه و تصویب آن	۳۸۲۴	۳۸۴۳
۳	مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع به پرداخت یک دوازدهم بودجه ها بابت مخارج مملکتی در بهمن ماه ۱۳۰۶ و تصویب آن	۳۸۴۳	
۴	قانون اجازه پرداخت یک دوازدهم بودجه ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ بابت مخارج مملکتی در بهمن ماه ۱۳۰۶	۳۸۴۴	
۵	قانون بودجه سال ۱۳۰۶ مملکتی و اجازه پرداخت مخارج مملکتی بر طبق تشخیص کمیسیون بودجه در اسفند ماه ۱۳۰۶	۳۸۴۴	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله يك شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۸

(مجلس سه ساعت از شب گذشته بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله پنجشنبه دهم اسفند
را آقای نکهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جاسه قبل
آقایان: اعتبار - نوبخت - حاج حسن آقا ملک -
بجی خان زنگنه - میرزا احمد خان بدر
غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی
مهدوی - میرزا حسنخان ونوق - محمود رضا - حاج
غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: فهیمی - عصر انقلاب - آبه الله زاده اصفهانی

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: جلالی - دشتی

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد.

(گفتند خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

معاون وزارت فواید عامه - چند فقره لایحه است که تقدیم مجلس شورای ملی میشود اولی راجع بامتخدام مسیو فن دم هاکن متخصص جنگل است لایحه دیگر راجع به تمدید امتیازی است که برای اتوبوس رانی داده شده بود حق تقدیمی بود که سابقاً داده شده بود حالا که وسائلش موجود شده و عنقریب حرکت میکند تقاضا کرده است ششاه دیگر تمدید داده شود این هم امتیاز راه آهن ما بین عبادان و محره است که آقای موقر تقاضا کرده اند. این هم قانون جنگلها است که تهیه شده و تقدیم مجلس میشود برای تنسیقات جنگلی چون بودجه اداره راه آهن هذو السنه هم از کمیسیون بودجه نگذشته و بطور موقت حقوق اعضائی که نا بحال کار کرده اند پیشنهادی است بمبلغ چهارده هزار تومان که بمجلس تقدیم شده.

رئیس - آقای بامداد از وزارت فواید عامه سؤالی

داشتید مطلعشان کرده اید؟

بامداد - بل

رئیس - بفرمائید

بامداد - دو فقره سؤال از وزارت فواید عامه کرده بودم یکیش راجع به راه شیراز است که حالا سؤال میکنم جواب که شنیدم اگر موقعش شد سؤال

دیگرم را عرض میکنم راه شیراز از اصفهان تا آباد راهی است خیلی خراب از آباد به شیراز باید در قاموس طرق و شوارع يك لغتی برایش پیدا کرد حاکم آباد با پست دولتی از شیراز برای آباد حرکت کرده است ده روز طول کشیده تا رسیده است شاید چهل و پنج شش فرسخ است. راه باس چمن که نقطه ایست با تلافی که اگر بکفدری باران بیشتر بیاید قابل عبور نیست. و برای مسافرن کاملاً اسباب زحمت فراهم نمیکند سابقاً تکلیف مسافر معلوم بود با کجاوه و بالکی حرکت می کردند و البته لوازم زندگیشان را هم همراه داشتند ولی حالا تصور میکنند يك روزه میرسد باآباد يك اسباب مخفی همراه بر میدارد آنوقت از باس چمن تا گردنه کولی کش توی برف میباید آنوقت تصور کنید چه وضعیتی است برای مسافر از شیراز تا بوشهر هم همینطور بدبختی ها برای مسافرن هست يك داستالی است که اگر يك نفر حاکی سر تپیی امیر لشگری باشد ممکن است بواسطه ایلات آنجا خودش را از هلاکت نجات بدهد ولی اگر مسافر عادی باشد نمیتواند اگر نواست و سلامت گذشت که يك عرضحالی بوزارتخانه با بنامندگان میفرستد و الا خیر همانجا میببرد. برای استحضار خاطر آقای معاون عرض میکنم که يك پلی است در روی رود خانه قره قاج که مرحوم مشیر پیشکار فارس يك راهی ساخته شخصاً برای خیرات يك پلی روی این رودخانه ساخته است که قریب بیست هزار تومان خرجش شده است يك دهنة این پل خراب شده دو سال است میسازند هیجده هزار تومان هم خرجش کرده اند امسال هم آنرا آب برده شما اگر از روی قانون و تقسیمه که از باج راهها برآید میرسد از اینجا تا بوشهر را يك شاه جاده بزرگ و يك معبر تجاری فرض میکنید افلا يك سهمی به او بدهید آخر هزار تومان بودجه آنهم خرج پرسنل شدن البته همین وضعیت تولید میشود خدا میداند هر جائی که در این راه دست بهش نخورده است

خوبست ولی جاهائی که دست خورده اید قابل عبور نیست يك پل کرده هائی اسمش پل کرده است از پل خان تا رزقان چون فاضل آب برنج کاری آنجا را مسیل میکنند آمده اند گویا مرحوم الله وردی خان یا امام قلی خان پسر او آمده است و يك برجستگی با سنگ و ساروج درست کرده و اسمش پل کرده شده است وقتی که اینجا را آب بگیرد از روی او میشود عبور کرد. مهندس شما برای اینکه دو اتومبیل وقتی که بهم میرسند نمیتوانند عبور کنند آمده و راه را بر گردانده است تمام راه را خاک ریخته برای اینکه بعد سنگ ریزد آنوقت چرخ اتومبیل هم البته اینها را صاف و محکم می کند خاکی ریخته شده است آنوقت اتومبیل در موقع عبور نیم ذرع سه چارک نوی گل می نشیند شاید هم بعرضتان رسیده باشد زیرا بعضی ها هستند که مستقیماً مینویسند اگر بعرضتان رسیده چه اقدام کرده اید و گرنه حالا بفرمائید چه اقدام خواهید کرد

معاون وزارت فواید عامه - راجع به قسمت راه شیراز به اصفهان البته خود حضرتعالی میدانید و سایر آقایان هم میدانند که راه اساسی در آنجا ساخته نشده است و ما هنوز يك بودجه کاملی نداشته ایم که بتوانیم راه اصفهان را بسازیم از سنه ۱۳۰۵ به بعد شروع کرده اند و در يك تقاطعی که سخت تر بوده يك عملیاتی می کنند ولی البته همینقدر که يك قسمتش خاک ریزی شده پول ترسیده است که سنگ ریزی نکرده اند و برای سال آتی اول بهار اعتبار داده میشود و سنگ ریزی خواهند کرد و اینرا نمیشود توقع داشت که ما با يك بودجه کمی بتوانیم راه اصفهان بشیراز را مثل شوسه از اینجا تا قزوین یا تقاطعی که هر کیلومترش هزار تومان دو هزار تومان خرج دارد بکنیم مابین اصفهان و شیراز تقریباً هفتاد کرور پول لازم دارد که آنجا را هم مثل سایر شوسه ها بکنیم و هنوز همچو بودجه نداریم که این کار را بکنیم البته سعی میکنیم که قسمت هائی که خال ریزی کرده اند

برای سال آتی تکمیل کنیم و سعی می کنیم که در ۱۳۰۷ مبلغی را برای راه شیراز به بوشهر تخصیص بدهیم که نواقص را تکمیل کنیم و البته این يك راهی است که تکمیلش خیلی خرج دارد زیرا راهی است که برای راه آهن ساخته میشود و خیلی سخت است و بسته بودجه اش است که ما بتوانیم با این قسمت تخصیص بدهیم و همینطور که آقایان متوجهند البته بایستی بطور الاهم فلاحه ساختمان راهها بشود زیرا انقدری که اهمیت داده میشود راه از اینجا به قم و قزوین نمیتوان همان اندازه اهمیت داد برای اصفهان بشیراز یا از شیراز به بوشهر البته راهها هر قدر کم عرض تر و نزدیکتر باشد خرجش هم کمتر میشود و در بیست و پنج فرسخ راه وقتی که پنجاه هزار تومان خرج کنید بهتر ساخته میشود تا اینکه بیست هزار تومان خرج کنید. البته اگر آن پولی که داده شده بمصرف نرسیده باید مؤاخذه کرد و تحقیق کرد مقش فرستاد و دید که خرج نشده یا اینکه مختصری که داده شده مصرف شده و تکمیل نشده و همین تذکر حضرتعالی را آقای آقا سید یعقوب هم در کمیسیون بودجه دادند و ایشان هم میخواستند سؤال کنند عرض کردم خود وزارت فواید عامه هم در نظر دارد که حتماً در بودجه ۱۳۰۷ برای آن قسمت يك بودجه منظور کند که بتواند این نواقص را که امسال دارد و اسباب زحمت مردم است رفع کند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این جواب ها را بنده میدانم و همه هم میدانند ایشان نمیگویند که ما منعمداً نکرده ایم حالا هم استدعا میکنم که شما پیشنهاد کنید کمیسیون بودجه که تصویب میکنند مجلس هم تصویب میکند آن قسمتی که از این قانون به فارس میرسد او را پیشنهاد بفرمائید و اطمینان بدهید که از سال آتی اقلان شروع میشود که مردم اینطور گرفتار نباشند ما هم حرفی نداریم

وزیر داخله - بنده تقاضا دارم خبر کمیسیون داخله

راجع به قانون سبیل احوال جزو دستور جلسه آنیه
شود.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - ماده واحده راجع به بودجه کل مطرح

است. آقای استرآبادی

استرآبادی - در جلسه سابق آقای وزیر مالیه دوقره
لابحه مجلس آوردند یکی راجع به پرداخت حقوق بهمن
بود یکی دیگر راجع به اسفند بود و بر حسب قاعده
میبایستی راجع به بهمن پیش افتاده باشد بنده خواستم
تقاضا کنم که چون ماه رمضان است و حقوق مستخدمین
وزارتخانه ها عقب افتاده است آقای وزیر مالیه هم موافقت
بفرمایند که اول مخارج بهمن مطرح شود.

وزیر مالیه - آقا درست میفرمایند بنده دو لایحه
تقدیم کردم یکی يك دوازدهم روی مأخذ ۱۳۰۴ و اضافات
مصوبه بعد مطابق دوازدهم های دیگر برای بهمن و يك
ماده هم برای پرداخت اسفند ولی راجع باسفند چون
قبلا مطرح شده و مذاکرات کافی شده و اغلب پیشنهادات
خوانده شده و بنده گمان میکنم که دیگر طولی نداشته
باشد بنده نمیدانم چرا میل دارند که ما حالا این کار
را ناقص بگذاریم و کار دیگری شروع کنیم آقا که
میل دارند در اینموقع حقوق مستخدمین زود تر داده
شود باید سعی کنند که همین امشب انشاء الله هر دو بگذرد
که بند هر دو ماه را با هم بهشان بدهم بنده خودم
ساعتی هستم که برای قبل از عید بلکه قبل از بیستم
رمضان که مصادف با ایام مبارک خواهد بود این دو
دوازدهم پرداخته شود پس استدعا میکنم آقا هم موافقت
بفرمایند که زود تر و بدون حواشی هر دو فقره
تصویب شود

استرآبادی - بنده هم موافقت میکنم و مقصودم
این بود که زود تر حقوق مستخدمین داد شود بنا بر این
استرداد میکنم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
پیشنهاد میکنم مخارج مملکتی مطابق مواد تبصره تنظیم
شده کمیسیون بودجه بمصرف خواهد رسید

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم این مسئله را
که عرض کردم يك مسئله فوق العاده است در واقع
این ماده واحده که وزیر مالیه تقدیم مجلس کرده است
و مجلس حالا رای میدهد اجازه مجلس است که مطابق
بودجه که در کمیسیون هم گذشته است مجلس هم رای
میدهد و در واقع این ماده پیشنهادی وزیر مالیه
تصویب ماده اول و ماده دوم است ماده اول عوائد
مملکتی بوده ماده دوم مخارج مملکتی بود که وزارت مالیه
مجاز است از طرف مجلس که مطابق ماده دوم بودجه
تفصیلی را بپردازد ولی این بودجه تفصیلی را پرداختن
بیست و چهار ماده دیگر عقب سرش است مثل اینکه شما
به ناظر خودتان میفرمایید این پول را خرج کن اما
در تحت این مواد خرج کن این است که بنده عرض
کردم حالا لایحه بودجه کل خدمت همه آقایان هست
يك موادی دارد که دولت باید مطابق آن مواد این بودجه
را بپردازد نه اینکه دولت مجاز است که مطلقاً بپردازد
مطابق آن مواد باید بپردازد این بود که اول هم به
آقای وزیر عرض کردم فرمودند بعد از آنکه این ماده
تصویب شد این پیشنهاد داده شود بنده خواستم عرض
کنم که کاملاً مطمئن باشم که اکثریت مجلس بلکه
قریب به اتفاق موافق است با ماده شما و رای میدهد
بنده که بیش از يك ورقه نمیتوانم بدهم و الا اگر
میتوانستم دو ورقه هم میدادم اما شما هم بدالید که مطابق
این مواد باید بپردازید نه اینکه مطلقاً بپردازید

وزیر مالیه - آقای آقا سید یعقوب نظرشان این است که مواد قانون
بودجه بهمان ترتیبی که ماده اول و دومش مربوط بعوائد و
مخارج مملکتی است و بموجب این ماده واحده تصویب
و اجرا میشود آن مواد دیگری هم که مربوط به قانون
بودجه است آنها هم مطابق تصویب کمیسیون اجرا شود

قبلا هم با بنده مذاکره کردند اینکه عرض کردم صبر
کنید بعد از تصویب این ماده این مطلب طرح شود
برای این است که ما در این ماده نوشته ایم (مطابق
قانون استخدام و مطابق قانون محاسبات عمومی و سایر
قوانین) یعنی کلیه قوانین موجوده نسخ نشده راجع
به پرداخت خرج و جمع حاکم است بر طرز اجرای این
ماده واحده که آقایان تصویب میفرمایند تا وقتی که آن
مواد جدید را با این طرز که آقا میفرمایند یعنی
مطابق رای کمیسیون یا آنطوریکه بنده میایلم مجلس
تصویب کند و گمان میکنم آقا هم با بنده موافقت
بفرمایند که این مواد بعد مطرح شود و ماده بماده
مذاکره شود چون تا وقتیکه اینها تکلیفش معین نشده
مواد قانون بودجه ۳۰۴ که يك قانون مصوب است
باید حاکم بر طرز اجرا و پرداخت باشد. ملاحظه
میفرمایید که همانطور که ماده يك و در یعنی ماده
جمع و خرج قانون بودجه ۱۳۰۴ دیگر ببرد امروز
میخورد این مواد هم درش يك تجدید نظر هائی باید
شود در کمیسیون يك چیز هائی تصویب شده ولی يك
مواد دیگری هم بعد دولت پیشنهاد کرده که هنوز در
کمیسیون بحث نشده و بعضی از موادش قابل بحث و
طالعه است به این ملاحظه بنده تقاضا میکنم آقایان
بن تبصره را پس بگیرند این ماده تصویب میشود و
توزن فعلی این پرداخت مواد موجوده سابق خواهد
بود بعد یکی یکی آن مواد را مطرح میکنیم وقتی که
مواد تصویب شد قائم مقام آن مواد سابق میشود و
پس نقض میشود ولی تا وقتی که آنها نقض نشده
رای خودش باقی است

آقا سید یعقوب - بنده باید به عرض برسانم که
بطور.....

رئیس - میخواهید پس بگیرید یا رای بگیریم؟
آقا سید یعقوب - خیر نمیخواهم پس بگیرم.
(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً بشرح سابق

خوانده شد)
رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین
قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد می کنم که بودجه اسفند آنچه را که
کمیسیون بودجه کسر کرده است مطابق همان کسر بپردازند
و آنچه که اضافه شده بماند تا در مجلس مطرح شود
فیروز آبادی - بنده چون نظر دارم که انشاء الله این
وجوهاتی که از ملت گرفته میشود بمصرف خود آنها برسد
و خرج اداری بعضی ترتیبات دیگر نشود این است که
این پیشنهاد را کردم که آنچه را که کمیسیون بودجه
کسر کرده بجهت ماه اسفند موافق همان کسر بپردازند
اما آنچه که اضافه شده و در کمیسیون تصویب شده تا
بتصویب مجلس رسد داده نشود اگر چنانچه مجلس اجازه
داد آن اضافات را هم بپردازد و اگر اجازه ندهند
باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم انشاء الله آقایان هم
موافقت میفرمایند و رای میدهند

رئیس - آقای رفیع

رفیع - درست فرمایش آقایان من بعضی و تکفیر بعضی
بوداگر چنانچه آقا کمیسیون بودجه را کمیسیون عملی
میدانند و معتقدند که کمیسیون مخارج را خوب کسر
کرده است بالاخره آقا هم بایستی موافق باشند و آنچه
را که کمیسیون تصویب کرده رای بدهند و آنچه را
که کمیسیون تصویب نکرده آقا هم رای ندهند بالاخره دولت
يك مخارجی را پیشنهاد کرده است و کمیسیون هم موافقت
کرده است و بایستی موافقت فرمایند

رئیس - رای میگیریم به این پیشنهاد آقایان
موافقین قیام فرمایند
(کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد

پیشنهاد آقای استرابادی

پیشنهاد میکنم با حذف يك رقم از سمت بعین قرآن تبدیل بتومان شود

رئیس -- بفرمائید

استرابادی - بنده تصور میکنم که این توضیحات زیادی لازم ندارد واحد مقیاس مملکت ما تومان است اولاً به قاعده اعشاری قرآن يك عشر تومان است وقتی که بنا شد يك بودجه یا لایحه قرآن نداشته باشد همان تومان را مینویسند و اگر چنانچه قرآن یعنی اعشار داشته باشد بتوسط قرآن آن اعشار نیز داده میشود و بعلاوه واحد را قرآن قرار دادن يك رقم خیلی زیادی است که تولید زحمت هم میکند و بنده تصور میکنم که واحد ما باید تومان باشد

رئیس -- آقای عراقی

عراقی - اصلاً آقای استرابادی باید متوجه باشند ما باید يك حسابی را داشته باشیم که زبان خودمان نزدیکتر باشد تومان يك لغتی است که مال ما نیست بعضی از نمایندگان - (با همه) قرآن هم مال ما نیست

عراقی - ما هر چه واحد مان را کوچک قرار دهیم برای ما بهتر است بنا بر این این پیشنهاد موردی ندارد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد

پیشنهاد آقای استرابادی

بنده پیشنهاد میکنم از بودجه تفصیلی وزارت معارف صفحه ۱۱۸ از اعانه های مدارس قلم هشت ششصد تومان اعانه مدرسه موسیقی حذف شود و نیز از صفحه

۱۷۷ بودجه مدارس ولایات از مدرسه و بشکاه ماهی بیست و سه تومان اعتبار کلاس موسیقی حذف شود استرابادی - بنده قبل از اینکه داخل موضوع پیشنهاد خودم بشوم ناچارم عرض کنم از وقتی که من افتخار عضویت مجلس شورای ملی را دارم هر وقت که صحبت در موضوع بودجه میشد ...

(در اینموقع عده از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

بکنفر از نمایندگان - اکثریت نیست

مدرس - ملائکه حاضرند حرفتان را زنید

استرابادی - بودجه بطریق ماده واحده به مجلس آمده گرچه یکی از آقایان هم فرمودند که اکثریت حاکم است بنده هم تصدیق میکنم که اکثریت حاکم است ولی اقلیتی در مجلس نیست و تصور نمیکنم اساساً کسی با بودجه مخالف باشد بنده خودم هم مخالف نیستم و کاملاً موافقم گرچه يك اشکال مختصری هست و او کسری است که کمسیون بودجه در نظر گرفته و اسباب این شده که آقای وزیر مالیه مجبور شده و در اینموقع ماه رمضان يك عده را از مالیه خارج کرده اند اینها يك حرفهایی است که سر جای خودش باشد چیزی را که بنده لازم میدانم عرض کنم از نقطه نظر وظیفه و کالتی بلکه وظیفه دیانتی این است که ما باید بفهمیم این پول ها از کجا گرفته میشود و به چه مصرف خرج میشود معلوم است که هر يك تومان از این پولها مال يك بیچاره رعیتی است که با هزار خون جگر ده تومان تهیه میکنند و يك نوماتش را مالیات میدهد و این را باید هر يك از آقایان نمایندگان مواظب باشند که این وجه بمصرف خودش برسد و بنده چون خیلی علاقمند بمعارف بودم (مثل همه آقایان بودجه های تفصیلی را غالباً نگاه میکردم) و فقط بودجه معارف را بیشتر دقت و مطالعه کردم آن هم يك چند صفحه اش را و بيك اقلای رسیدم که در پیشنهاد خودم عرض کرده ام

در قسمت اعانه مدارس در قلم هشت دیدم ششصد تومان بعنوان كلك خرج مدرسه موسیقی نوشته شده است ... روحی - لا اله الا اله

استرابادی صفحه اش را نشان میدهم صفحه ۱۱۸ قلم هشت ششصد تومان اعانه مدرسه موسیقی اگر بنا است رعایت بشود در مال ملت من هر چه فکر میکنم که اعانه مدرسه موسیقی را در تحت چه عنوانی ما میتوانیم تصویب کنیم نمی دانم؟ مدرسه موسیقی را يك قدری که فارغش کنیم یعنی يك محلی که در آنجا نار میزنند ساز میزنند ...

(همه نمایندگان)

روحی - مال قشون است قشون با چه راه برود؟ استرابادی - مال قشون نیست بعد بیائید جواب بدهید راجع به قشون مدرسه موزیک است که جزو بودجه قشونی است و بنده هیچ مخالف نیستم زیرا راجع به تحریکات قشونی و چه و چه است ولی این مدرسه شخصی است مسئله قشون و اداری و نظامی نیست يك مدرسه ایست که يك آدم مستقلی باز کرده و سالی ششصد تومان به آن اعانه داده میشود و بنده هیچ تصور نمیکنم که این پیشنهاد بنده محتاج به رأی باشد زیرا یکی از آن حرف هایی را که آقای مدرس فرمودند بنده اینجا عرض میکنم ...

مدرس - من سر رشته ندارم

استرابادی - و آن این است که صریحاً عرض میکنم اعانه بمدرسه موسیقی بطور مسلم خلاف شرع است و مجلس باید مطابق قانون اساسی آنچه را تصویب میکند موافق قوانین شرعیه باشد مدرسه موسیقی مخالف قوانین شرعیه است و دولت حق ندارد باین مدرسه كلك بدهد و مجلس هم نباید به اسم مدرسه موسیقی قلمی تصویب کند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم مبلغ ده هزار تومان از قلم مخارج کل کسر شود

رئیس -- آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - پیشنهادی را که بنده تقدیم کرده ام راجع به تعمیری است که ضرورت پیدا کرده و مربوط به سد رودخانه ایست که در شهر تبریز است و جمعی را گرفتار زحمت و مخاطره نموده ولی بعد از توضیحاتی که آقای وزیر مالیه در اینجا دادند دیگر مورد ندارد و مسترد میدارم

رئیس -- پیشنهاد آقای ضیاء

(بمضمون ذیل خوانده شد)

اصلاح تبصره ۲ بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف را برترتیب ذیل پیشنهاد میکنم:

تبصره ۲ - صرفه جوئی های بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف باستثنای مفاد تبصره يك و همچنین به استثنای عواید اختصاصی بمدرسه صنعتی فارس آنچه زائد بر شانزده هزار تومان بودجه مصوب آن مدرسه است و نیز عواید ۱۳۰۵ و صرفه جوئی های ۱۳۰۶ همان مدرسه که باید در ۱۳۰۷ بمصرف مخارج غیر ثابت و تکمیل مدرسه مزبور رسد الخ

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - توضیح زیادی در اینجا لازم نیست در ضمن تشکر از معارف بروری و موافقت نام اعضاء محترم کمسیون بودجه عرض میکنم این مدرسه صنعتی فارس که ذکر شده است چون ماخذ عوایدش فقط در سال ۱۳۰۶ است و سال هزار و سیصد و شش هم که هنوز تمام نشده است بنده يك کله در تبصره ۲ بودجه وزارت

معارف علاوه کردم که اگر عوائل مدرسه صنعتی فارس علاوه بر شازده هزار تومان چیزی داشته باشد بخودش بدهند که مصرف خود مدرسه برسد و تکمیل شود و ماخذ بودجه مدرسه در سنوات بعد معلوم شود.

رفیع - اجازه میفرمایید؟

وزیر مالیه - بودجه که در کمیسیون بودجه گذشته است تبصره هائی دارد و تمام آن تبصره ها لازم و ملزوم آن بودجه است بمقتضای بنده اگر بنا باشد در مجلس بخواهند تبصره ها را بعضی دون بعضی مذا کرده اصلاح کنیم تو باید زحمت میکند الان این تبصره را با این اصلاحی که آقا میخواستند بکنند بنده نمیدانم باید قبول کنم یا رد کنم زیرا مطلبی است محتاج بمطالعه آن موقعی هم که در کمیسیون بودجه مطرح فرمودند بنده نبودم و از مذاکرات هم اطلاع ندارم با بملاحظه بنده تصور میکنم بهتر این است که این تبصره را که آقای ضیاء میخواهند این جا پیشنهاد و اصلاح کنند این را پس بگیرند و بگذارند تبصره ها همان ترتیبی که در کمیسیون بودجه تصویب شده است باشد و اگر هم اصلاحی در تبصره در نظر دارند چون تبصره است و در اصل مبلغ تفاوتی نمیکند بنده باز در کمیسیون بودجه حاضر می شوم و در آنجا مذاکره می کنیم و باین شکل یا شکل دیگری که مقصود حاصل شود تنظیم می کنیم چون در اصل مقصود اختلافی نیست و تبصره ها را چه بطرز عمل است باین ملاحظه بنده تصور می کنم که اصلاح حقوق این ترتیب باشد که این بطور کلی بهم بخورد

ضیاء - با این طوری که می فرمایند در کمیسیون مورد مطالعه قرار میدهند بنده مسترد می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(بترتیب ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره - بوزارت مالیه اجازه داده میشود از محل صرفه جوئی بودجه وزارت خانه مربوطه مبلغی معادل

حقوق يك ماهه بعنوان عیدی مستخدمین جزء سرپائلی وزارتخانهها و ادارات دولتی و مدارس و سایر مؤسسات دولتی اعم از مراکز و ایالات و ولایات بپردازد احتشام زاده - بنده وقتی که این پیشنهاد را تقدیم کردم نظرم می آمد

رئیس - آقا اجازه ندادم خودتان میدانید که

پیشنهاد خرج است

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم بوجه وزارت جنگ استثناء شود

رئیس - بفرمایید

مدرس - مقدمه اگرچه این حق را ندارم ولی از باب اینکه من قصور در بیان دارم از باب جرأت که عرض من را می نویسند چون من قصور در بیان دارم روزنامه ها را هم بر فراغت ندارم بخوانم متصل از ولایات بمن می نویسند که شما چرا همچو گفتید البته چون من خودم معترف به قصور بیایم (این حق را ندارم) خواهش می کنم که اگر میل دارند لطف مرا در جرائد شان بنویسند از تند نویس ها بگیرند که موجب این نشود که هی بمن کاغذ بنویسند و مجبور شوم جواب بدم.

مسئله دیگر البته آقای مخبر ملتفت هستند که این پیشنهادهای زیاد که خیلی از آنها اساسی نیست منشا چیزی است که تمام دنیا فهمیده اند و گفته اند که باید بودجه چند ماه به آخر سال بیاید به مجلس و مطرح شود این را همه فهمیده اند که چون بودجه مسئله مهمی است خوبست که چند ماه به آخر سال مانده بیاید و مطرح شود که در جزئیاتش صحبت شود که منتهی باین پیشنهاد هائی که می بینید نشود بی مناسبت نیست عرض کنم هر که گرزده زخراجات شاه بار کس غول بیابان شود اگر مسئله بودجه درست

مطرح می شد شاید به مجلس دوم سوم چهارم پنجم ختم می شد بعد از آن که آقای وزیر مالیه در ظرف ده دقیقه می خواهد بودجه را بگذراند آنوقت کم کم این پیشنهاد ها منتهی میشود بموسیقی که نمیدانم لفظش بونانی است عربی است 'ع-بری است' فارسی است ازکی است که معنایش را نفهمیم که خوب است باید است این پیشنهاد ها همه جهتش این است که خود بودجه را بیاورده اند اگر آورده بودند شاید در مجلس سه مجلس چهار مجلس پنج مجلس این مسئله حل میشد و این پیشنهاد های زیادی که کشف میکنند از این که هر کسی می خواهد يك انگشتی توبش بکند نمشه

استرآبادی - این پیشنهاد بنده برای انگشت کردن لبرد

مدرس - همه همین جور است همه پیشنهاد ها بواسطه اینست که خود مسئله خوب مطرح نشده اگر خود مسئله خوب مطرح میشد این جور نمیشد حالا برویم وارد مطلب شویم این پیشنهاد من که عرض کردم خوبست بودجه وزارت جنگ مجزا شود دو عمل داشت یکی اینکه من با وزیر جنگ مخالفم از این جهت با بودجه وزارت جنگ مخالفم بل بنده با وزیر جنگ مخالفم با وزیر مالیه یا وزیر پست و تاسکراف یا حاج رئیس الوزراء ولی این پیشنهاد نه بواسطه این است که با وزیر جنگ مخالفم (اگرچه ما وزیر جنگی نمی بینیم) فرق نمیکند پس این را کسی خیال نکند منشاء دیگر اینکه خصوص بودجه وزارت جنگ بودن مدخلیت در این پیشنهاد بنده ندارد این نکته نیست این بودجه تفصیلی وزارت جنگ را زودتر از همه دادند من هم يك چند روزی حال نداشتم و در منزل فراغت داشتم این را از اول تا آخر مطالعه کردم اگر يك بودجه دیگر را زودتر داده بودند حالا آن را استثناء میکردم اما این را که سابق بر این دادند من فراغت پیدا کردم و اول تا آخرش را مطالعه کردم

يك چیزهائی بنظر آمد که مقتضی شد این چیزها در مجلس مذاکره شود حالا آقایان که آمده اند و بودجه را بر سبیل اجمال این جا آورده اند من نمیدانم باقی بودجه ها چه جور است شاید بودجه های دیگر صد درجه عیبش بیش از این باشد شاید هم بهتر باشد شاید هم مثل این باشد و البته اگر عریاضی میکنم نه بواسطه این است که خواستم در پیشنهاد خیلی حرف بزنم از باب این است که يك مسئله باین زرگی که مطرح شده البته يك چیزهائی باید ولو بر سبیل اشاره هم باشد صحبت بشود آقایان هم رای بدهند مخالف آقایان بنده است آقایان هم رای بدهند این را هم عرض کنم که من هرگز رسم نیست (کنایه هم این است که قانون اساسی هم ندارد) که متعرض نطق دیکل دیگر شوم ولی آقای نفاة الاسلامی عرض کردم که بنظر من می آید این تشکری که کردید خیلی تشکر ساده بود و از شان پرسیدم شما از بروجرد بیرون رفته اید؟ لذا من میخواهم تشکر خودم را که عملی است بکنم مادر يك موقعی با دو نفر از آقایانیکه اینجا حاضرند از بروجرد بیرون رفتیم و در عرض یکماه در این بیابانها و ایلات بودیم من میخواهم تشکر را سی درجه بیشتر کنم قوه امنیه مملکت مثل خون است در بدن اگر خون بد باشد عیب داشته باشد یا نباشد آدم میمیرد بنده با مرحوم استرآبادی که یکی از وکلاء محترم بودند (آقای آقا شیخ حسین استرآبادی) با دو نفر کلامی دیگر وارد اول خاک بروجرد شدیم لرها از دور با دوربین دیدند دو نفر آخوند می آید برف هم هست خیال کردند که آخوند است بنا کردند به تیر انداختن هفت هشت گلوله انداختند ما گفتیم اعتنا نکنیم برویم دیدیم خیر تیر می اندازند بواسطه اینکه آقای نصرت الدوله بما نکوبند شما از وزارت جنگ سر رشته ندارید میخواهم به شان بگویم در همین وزارت جنگ باسئلهای چهار نفرشان من از همه شان عالمتر و عملی تر هستم خلاصه اینها بگمانشان ما آخوند هستیم

بنا کردند به تیر انداختن . ما هم بنا کردیم به تیر انداختن . يك تفنگ کار حاج محمد تقی من داشتم که آقایان میدانند جلو گرفتیم و بنا کردم به تیر انداختن آنها دیدند آخوند جلو میآید و تیر می اندازد خاموش شدند از آن راه رد شدیم و رفتیم رسیدیم بارود و بعد با اردو رفتیم بآنجائی که آقایان میدانند ببحوجه ایللیات است و بالاخره از دور رسیدند و در تنگ زاهد مارا محاصره کردند و هشتاد شتر قورنانه بضر تفنگ از ما بردند حالا آقای آقا سید یعقوب میدانند چه جور بردند چون من تنقید نمیکنم از کسی . . .

آقا سید یعقوب - برای تفنگ شما بود

مدرس - خیر به بینید کی داد . در همان خرم آباد ایل حسن وند روز روشن ریختند و سی و دو قاطر از ما بردند غرضم این است که در این بیابانی که آقا فرمودند ما قطعه قطعه رفتیم ، زدو خورد کردیم ، شکست خوردیم ، شکست دادیم . پس من که آشکر میکنم از روی چیزهایی است که دیده ام و بکاه زمستان در میان ابلات آنجا بوده ام . اما منافاتی با مسئله بودجه ندارد البته باید تشکر از قوه امنیه کرد ولی هیچ منافاتی با مسئله بودجه ندارد . این بودجه که من دیده ام بعقیده من اولاً این تشکیلاتی که توی این کتابچه است هیچ وزارتخانه ما این تشکیلات را ندارد . تشکیلات مرتب و منظمی است مثل يك کارخانه که وقتی موتورش را حرکت بدهید تمامش کار میکنند . نه وزارت مالیه اینطور است . نه وزارت معارف ، نه وزارت داخله . حالا فکر کیست ؟ کار نداریم . ما کار به فکر کننده اش نداریم . این تشکیلاتی که وزارت جنگ دارد تشکیلاتش وزارتی است که بنده بیشتر از شاهزاده نصره الدوله سردر میآورم این تشکیلاتی است که موتورش را که اینجا بگرداند تا آخر مملکت هر جا که هست کار میکنند و این معنی تشکیلات است نه مثل وزارت مالیه که امروز می آید دم دروازه دو سه نفر دور مرا گرفتند که آقا بی نان شدیم . پس اینرا بدانید

پایش عیب میکند . گفتیم بابا باید يك قانونی برای این ها نوشت زیرا اینها خودشان آمده اند و حالا خوب باید آمده اند این جا کشته میشوند ناقص میشوند در کرمانشاه گفتیم يك قانونی باید بنویسیم گفتند چه قانونی بنویسیم ؟ گفتیم آن قانونی که خدا نوشته است ما برداشتیم يك موادی نوشتیم که هر کسی صدمه خورد و در سر بیضخانه بجای رفش نشد اگر ناقص شد پول همان نقص را باید بهش داد مثلاً گوشش عیب کرد . گوش در شرع مقدس ما قیمت دارد بحساب نقره سیصد تومان میشود دماغش کج شد قیمت دارد در شرع ما اگر دماغ کج شد باید ثلث قیمتش را داد و هکذا دست و پا حتی يك تونولی ما اصفهانی ها تونولی میگوئیم آن چیزهایی است که روی دست در میآید گلوله برد در شرع مقدس ما حکم و قیمت دارد . برداشتیم يك همچو قانونی نوشتیم از سر تا پا اگر کسی مبتلا بیکی از اینها شد از خزانه وزارت جنگ پولش را بهش بدهند اگر کشته شد دیه اش را دو ساله بورثه قانونیش بدهند . يك همچو قانونی نوشتیم منتها قشون ها آمدند آقای حاج امین التجار هم بودند) در رفتیم (خنده نمایندگان) وقانون همین طور ماند ولی این تشکیلات این قسمت را ندارد که اگر يك کسی رفت و دستش را گلوله برد چه باید کرد ؟ چند وقت پیش يك کسی آمد پیش من دستش گلوله خورده بود فرستادمش خدمت آقا (اشاره به آقای آفة الاسلام) که يك خرجی بهش بدهد برود این تشکیلات این قانون را ندارد و نقصش این قانون است خصوص در بلاد اسلام چرا ؟ اگر آمد فقط اداء وظیفه خود را بکند (خطاب بوزیر مالیه) خواهش دارم شاهزاده چیز ننویسید . هر چه بنویسید نامربوط میشود . . .

(خنده نمایندگان)

وزیر مالیه - یکقدری رعایت نزاکت را بفرمائید شوخی جا دارد
مدرس - بنده میگویم اگر میروند اجرا وظیفه بکنند

اگر مرد اگر هم کشته شد (بفهمید چه میگویم) یعنی اگر رفت جنگ با خارجه و کشته شد فداست وظیفه خود را ادا کرده ولی اگر خبر رفت بجبهت اداری وظیفه مملکتی و تنظیمات و تربیبات آن اگر دستش را گلوله برد پول دستش را از خزانه وزارت جنگ باو بدهید . . .

رئیس - آقای مدرس

مدرس - اگر مسئله پیشنهاد را میفرمائید بنده در بودجه با اجازه آقایان حرف میزنم اگر آقایان اجازه نمیدهند همین جا قطعش میکنم

یاسائی - بفرمائید آقا

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

مدرس - بجهت اینکه قبلاً عرض کردم که چون بودجه است مجبورم اینجا عرضی بکنم . رضایت آقایان عرض میکنم اگر آقایان میگویند ماده شصت و سه میگوید در پیشنهاد کم بگوئید که من را منصرف کنید از عرض پیشنهاد غیر از این است . اگر آقایان اجازه نمی دهند عرض نمیکنم ؟

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

یاسائی - بفرمائید آقا در مملکت احتیاجات خیلی زیاد است

مدرس - عرض کنم این بودجه بدست کروری صد هزار تومانش باید خرج آن کار بشود . برای این قبل اشخاص که ناقص میشوند يك همچو بودجه لازم است شما میفرمائید لازم نیست عرض نمیکنم ؟

عمادی - خیلی چیزها لازم است

مدرس - میفرمائید چه ؟

عمادی - خیلی چیزهای دیگر هم که در شرع است همینطور است

مدرس - خواهش دارم آقا سه چیز است که عمر را تمام میکند یکی جهل است

خلق الانسان ظلوماً جهولاً

یکی کذب است که انسان آن چیزی را که خلاف عقیده اش است بگوید. این هم عمر را تمام میکند از تمام اینها بدتر این است که اسمش را بگذاریم حیا یعنی من يك چیزی را بگویم که خودم معتقد نیاشم و بدانم که شما هم معتقد نیستید و خجالت نکشم و بگویم. من يك چیز خلاف واقع نمیگویم میگویم اگر يك چنین چیزی شما در وزارت جنگنان بگذارید که اگر کسی ناقص شد يك پولی باو بدهید که زندگی کند از اهم امور است نمیخواهید؟ نگذارید برای من عزائمی ندارد. وقتی که دستش را گلوله برد می آید این جا پنجهزار من پنجهزار او بهش میدهیم. اما این يك این وزارت جنگ است. يك این بودجه است. میخواستم بگویم ما اینها را بلدیم که نگویند دیدیم و نفهمیدیم. حالا وارد در بودجه میشویم. اینها مقدمه بود. این بودجه که تقریباً با خرج شاگردان نظامی که به اروپا فرستاده میشود که مجزا کرده اند و با اجازه که لوازم این وزارتخانه (از اسلحه و غیر اسلحه) که وارد میشود خرج نداشته باشد از قبیل دوا و لوازمات دیگر تقریباً بالغ بر ده میلیون میشود. از بیست و چهار میلیون عایدی مملکت ما ده میلیون خرج این وزارت جنگ میشود. من نسبت بسابق صحبت ندارم پنجسال است که این بودجه گرفته شده و البته انشاء الله خرج شده است اگر خرج شده خیلی خوب و اگر خرج نشده من بشما میگویم مال عموم هیچ جا نمیرود. انشاء الله الرحمن شاید در مرکز وزارت جنگ باشد. محل احتیاجش است بنده وارد گذشته میشوم و از حالا ببعنوان میگویم این بودجه را البته کمسیون بودجه مطالعه کرده است اما يك غلط دارد اگر گفتند کدام است بنده تصدیق دارم که مطالعه کرده اند، عرض میشود که از اول تا آخر این بودجه جمع که میزند از افراد صاحب منصب و افراد اداری و ناین تقریباً عده اش به چهل هزار نفر میرسد، این مال آدمش است حیوان سیزده هزار است از اسب و قاطر

سواری و کاری و بارکش، من مخارج یکی یکی اینها را میخواستم میگویم کم است نمیگویم نیست بجهت اینکه میدانم نه تقشیر کرده ام نه من بلدم
آقا سید یعقوب - مطمئن هستم
مدرس - قسم
آقا سید یعقوب - قسم هم میخورم
مدرس - قسم با مدعی نیست با منکر است اگر قسم با مدعی بود من قسم میخوردم من میگویم يك تقشیر خرجی وزیر مالیه کرده است برای این کار؟ تقشیر این کارشان هم مثل باقی کارهای دولت میباشد. فقط خیابان لاله زار است و بس. اگر این شاهزاده نصره الدوله از پدرش برسیده بود میدانست بودجه را چه جور بنویسد برای اینکه خودش غیر از خیابان لاله زار را ندیده. حالا میخواستم و مدال میدارم که تمام چیزها را موافق طهران نوشته اند. نوشته است این چهل هزار نفر هر یک نفری خرجش این است. مثلاً رختخواب هر فردی سالی چهار تومان...
عمادی - زیاد است؟
مدرس - شما رختخواب پارسالتان را دارید؟ من بخدمت رختخواب پنجسال پیشم را دارم...
رفیع - آقا سفر میروند. این حرفها چه چیز است؟! مجلس جای این حرفها نیست!
مدرس - سفر هم رفته ام. خواهش دارم بعد پشت تریبون بفرمائید بنده که تعرض بکسی ندارم. قبلاً هم عرض کردم با آقایان که اگر نمیخواهید عرضی نمیکنم...
رفیع - خیر من اصلاً نمیخواهم گوشم این حرفها را بشنود
مدرس - برو بیرون...
رفیع - تو برو بیرون
مدرس - من چرا بروم؟ روی چه قانون؟ به چه قانون؟
رفیع - به قانون فساد. این حرفها زمینه فساد است

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)
مدرس - من فساد میکنم؟
رفیع - بخدمت فساد میکنی
(همهمه و صدای زنگ طولانی)
مدرس - خدمت بکمرت بزند
نمیخواهید نمیگویم. خیلی منت میگذارم که برایتان بگویم نمیخواهید نمیگویم
آقا سید یعقوب - نمیخواهیم
مدرس - من مامورم باینکه بگویم
(صدای زنگ)
رئیس - برای همین بود که ماده ۶۳ را تذکر دادم.
(در اینموقع آقای رئیس از جای خود حرکت نموده جلسه تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - آقای مدرس
مدرس - اولاً بنده همیشه میدانم که در پیشنهاد مها ممکن باید کم حرف زد ولی چون کمان میگردم يك مطالب مهمی هست که باید خدمت آقایان عرض کنم استعجازه کردم و آقایان هم اجازه دادند. و عرابضی عرض کردم متأسفانه و بد بختانه اول حرفان که بلخاف رسید چهل هزار لحاف آقایان از میدان در رفتند. حالا اگر نمیخواهند باقیش را نمیگویم چون آنوقت هم با اجازه آقایان گفتم ولی در این ضمن آقای وزیر مالیه گویا در ضمن صحبت بنده يك لفظی گفتم که ایشان برایشان ناگوار شد اولاً من اهل تنقید نیستم نه غیبا یا نه حضوراً و انشاء الله الرحمن ملول نشدند و اگر میخواهند رفع ملالیشان بشود بنده ازشان میپرسم مهمل از چه ماده است؟ اگر این ماده را معنی حقیقتش را گفتند تصدیق دارم که ملالیشان بجا است و الا تصدیق ندارم بجهت اینکه مهمل در شرع ما اثر ندارد
وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ بنده اگر ملاقی

دارم از يك عبارتی که تکرارش را هم زائد میدانم (رای اینکه ناسی بمقابل میشود) نیست. بنده خیلی میسب دارم هر تنقیدی میشود (از هر کس و از هر چیزی میخواهد بشود) این تنقید بصورت جدی بشود. این تنقید مبنی بر يك اصول مرتب علمی یا عملی باشد. از اینکه آقای مدرس اینجا بفرمائید که بنده اگر هم چیزی بگویم نامربوط خواهد بود و بعد فراموش کنند و نخواهند آریا با کله مهمل یا اهمال اصلاح کنند تفاوتی بحال بنده نمیکنند. از نقطه نظر خصوصی اگر باشد؟ بنده خیلی سابقه دارم بطرز صحبت و مذاکره ایشان و میدانم که ایشان در بعضی مواقع بالقاطی که اظهار میکنند اصلانه تنها قائل و معتقد نیستند بلکه خودشان هم بآن اهمیت نمی دهند ولیکن صحبت در مجلس شورای ملی در موضوع بودجه است و ناطق محترم هم یکی از دکلائی مبرز ما هستند. این مذاکرات و این حرفها هم متأسفانه نه در چهار دیوار این اطاق باقی نمیماند از اینجا تجاوز میکند بملک ایران و مملکت ایران و بالاخره از سرحد های ما هم خارج میشود...
مدرس - آنها میدانند.
وزیر مالیه - بنده میل ندارم که اینطور در انظار جلوه کند که ما میان مذاکرات و میان صحبتها مان بر روی يك اصول جدی نیست و مسئله خصوصی و شخصی را بنده هیچ اهمیت نمیدهم. تعقیب هم نمیکنم. آقا هم اگر اظهاری نمیگرداند بنده يك کلمه هم حرف نمیزدم اگر هم يك کلمه نخواهم بکنم یا کلمه مند باشم این کلمه را میبایست از حضرت آقای رئیس مجلس بکنم که در آنموقع بر حسب نظامنامه ایشان میبایستی بنطاق محترم اخطار فرمایند
مدرس - اقلیت نوبی گوش وزیر میزند
وزیر مالیه - ولی چون میدانم که آقای رئیس هم در این موقع میل و سلیقه شان این است که قضایا را سهلتر کنند و پیچیده تر نکنند از این نظر بود که این توجه را فرمودند نه از روی نظر دیگری باری تشکر

عملی یا علمی از کارهایی که شده است این محتاج بذکر نیست پیدا و روشن است و نام مردم دنیا و بک مملکتی هر روز آنها را می بینند هیچ محتاج بگفتن نیست محتاج بتکرار نیست تنقیدش ا ردش ا حتی تصدیقش که بنده بکنم هیچ فرقی برای آن حقیقت واقع نمیکند خود بنده چند روز قبل از این جا با انومبیل خودم یاد تو شوم از اینجا رفتم ناکشکان و از کشکان هم بر کشم هر روز مهندسین ما در همان راه خرم آبادی که آقا اظهار میکردند و شرح مسافرت خودشان را میدادند رفت و آمد میکنند بنده هم مکرر آنجا رفته ام و با همه آنها تیکه در مهاجرت با مهاجرین آشنائی پیدا کرده اند بنده هم آشنائی دارم ا در تمام آن نقاط هر کس میبود و می آید و هر کاری دارد انجام میدهد و عوض الناس و در خواست و آن معاهده که آقایان مهاجرین آنوقت میکردند. آقایان آقا سید یعقوب و حاج امین التجار خاطرشان هست که بسفارت کبرای مرحوم سردار محی معاهده کرده بودید که از تنگ رازان و تنگ زاهد ردنان کنند و بعد از آن معاهده آمدند لختنان کردند حالا تمام مردم بدون مذاکره و الناس میروند و می آیند و آنجا هایی هم که بعضی اشرا را هستند توپ است و تفنگ است که صدا میکند و آنها را مغلوب می کند این قسمت را هم که فرمودند بنده اطلاع ندارم و ایشان اطلاع دارند و چطور اطلاع دارند. بنده این را عیب نمیدانم. من یکی از اشخاصی هستم که معتقدم اول حسن و اول تکلیف بک آدم عاقلی این است که اگر چیزی را نمیداند بگوید نمیدانم اگر بک چیزی را نمیفهمد بگوید نمی فهمم اگر بنا شد بک چیزی را انسان ندانست و خواست حتماً بگوید میدانم این همان جهل مرکب است پس این که اگر بنده بگویم نمی دانم یا اگر یکی از آقایان بگویم که در این قسمت جناب عالی اطلاع ندارید این عیبی ندارد بالاخره هر کس که نمیتواند در هر کاری اطلاعی داشته باشد بنده آقای

مدرس را با تمام فرمایشاتی که فرمودند هیچوجه من الوجوه در هیچکدام از رشته های مربوط به تفنگ و جنگ وزارت جنگ مطلع و بصیر و با خبر نمیدانم مدرس - بجهت اینکه تو خیابان لاله زار را فقط دیده .

وزیر مالیه - تفنگ حاج محمدتقی داشتن و انداختن یا نینداختن هم هیچ فرقی با اطلاع و بصیرت نسبت بقشون و نظام نمیکند زیرا اگر اینطور باشد همان لر تفنگ را بهتر از همه ماها بقل میگیرد و خیلی هم خوب جنگ میکنند ای کاش همه افراد ما جنگی میشدند مثل آنها و بسیار مردمان حقیقه خوب و با هوش هستند و بهترین افراد آئینه مملکت ما قطعاً آنها خواهند بود پس در اینصورت بنده تکرار عرض خودم را نمیخواهم بکنم و نقض بک حرفها و مذاکرانی که در اینجا شد بطور کلی اینها را بحث نمیکم فقط بک چیزهایی است که مربوط به بودجه است مربوط بحقایق اولیه است این ها را البته بنده ملتفت هستم آقایان هم ملتفت هستند که وقتی که طرح میشود قضاوتشان را از روی خبروت میکنند. هوا پهبائی و اظهاراتی که امروز یکی از بزرگترین ارکان قشون او نظام دنیا است و چرا در این بودجه نیست این بک چیزی است که هیچ زحمتی ندارد پیدا کردنش و هیچ زحمتی هم ندارد گفتنش. اما زحمتش کجاست؟ زحمت در این است که آدم اگر آزار روی این ورقه نمی بیند برود قلعه مرغی و خودش را ببیند هوا پهبائیهای نظامی شما چند سال هستند؟ هوا پهبائیهای نظامی شما چندین صد مرتبه از این کوههای لرستان عبور کرده اند و باطرف و بر کشته اند در تمام زوایای آنجا باشار بمب انداخته اند. آقای آقا شیخ عبدالرحمن شما نمیدانید؟ ...

آقا شیخ عبدالرحمن - چرا

وزیر مالیه - کجا ها مانده که زفته اند؟ اما هوا پهبائی و خیلی چیزهای دیگر نمکن میخواهد. پول می

خواهد این بودجه که ملاحظه میفرمائید از صرفه جوئیهای این بودجه که روی پایه و اساس ۳۰۴ است و در آن موقع هنوز هوا پهبائی در بعضی جاها دایر بود هوا پهبائی را برای شما دایر کرده اند و برای اینکه این کار تکمیل شود در سال پنج میلیون خرج دارد. وقتی ما بولش را پیدا کردیم البته تکمیل میکنیم. حالا اظهار عقیده در اینکه اساس نظام و قشون اول باید روی هوا پهبائی باشد این تکلیف جنابمالی نیست که این حرف را بزنید این را بروید از آنها ای که در این امر اطلاع و بصیرت دارند بپرسید و به ببینید چه جور قضاوت میکنند این را بروید از رفیق مسافرت خودتان در ارستان از سرتیب شیبائی بپرسید بروید از آن صاحب منصب های تربیب شده مدارس جنگ دیده اروپا رفته عمل کرده بپرسید و بفهمید که شاید آنها هم عقیده شان این است (و حق هم با آنها است) که در این مملکت ما اول نباید همه پولها را خرج هوا پهبائی کرد و از چیز های دیگر کاست مالکی که خرج هوا پهبائی زیاد میکنند دو قسم است یا مثل مالک اروپا هستند که میلیونها و میلیارد ها خرج میکنند برای نظامشان آنوقت البته سعی میکنند میلیونها از مخارجشان بکاهند و برای هوا پهبائی مصرف کنند بایک مالکی هستند مثل عراق که استقلال ندارند و نمیتوانند قشون پیاده و سواره و افرادی و مملکتی آنطور بیکه میخواهند داشته باشند بک کسی دیگر آمده در آن مملکت و میخواهد آنها را حفظ و اداره کند باچه اداره میکند باصدنا آبروپلان. شما هیچ کدام از این دو تا نیستید دو همیشه بستاند الحمد لله. اولیش را هم صبر میکنیم انشاء الله الرحمن وقتی آن نمکن را پیدا کردیم همان کارها خواهیم کرد....

مدرس - مصطفی کمال باشا هم مثل شما بود

وزیر مالیه - امروز هوا پهبائی از برای مملکت ما هنوز بک چیزی است که نمیشود گفت از ضروریات اولیه است بنده این را از روی عقیده خودم نمیگویم

همانطور که شما نمی فهمید بنده هم نمی فهمم. آنها ای که خبره هستند گفته اند و من از آن ها شنیده ام و اینجا تکرار میکنم و شما مجبورید قبول کنید. اگر خودتان هم نخواهید طبیعت شما را مجبور میکند که در هر فنی مقهور ذی فنش باشید همان طور که هر وقت شما بک مسئله فقهی بگوئید من تسلیم میشوم

مدرس - اینهم فقهی است .

وزیر مالیه - فقهی نیست این فقهی را نگاه دارید

حالا باشد

مدرس - نگاه بطرفم میکنم

وزیر مالیه - حالا میرویم سر تشکیلات. به بینیم تشکیلات قشونی ما چطور است؟ این که میفرمایند اعتبار باید پیش بینی شود که اگر کسی عضوش از بین رفت یا فلانطور شد آزا چطور جبران کنند....

عمادی - در قانون استخدام هست

وزیر مالیه - در همه جا هست منتها هر چیزی در هر موقعی صورتش فرق میکند طرز عملش فرق میکند امروز اولاً این فکر باید در دماغ همه ما موجود باشد که سربازی و خدمت نظامی مثل عهد قدیمه و قرون سابقه مسئله مزدوری نیست و وظیفه وطنی است و این وظیفه وطنی نسبت بدشمن و نسبت بمخالف با اصول و قانون و نظم در مملکت هیچ فرق نمیکند دشمن میخواهد خارج میخواهد داخل باشد...

مدرس - خیر فرق دارد .

وزیر مالیه - هر کس بر علیه اصول قانونی و حکومت و قوانین ملی ما قیام کند همانطور که در قوانین موضوعه ما هم این مطلب هست او را بایستی بکنفر دشمن ما تلقی کنیم. بایستی با آن دشمن با همان حس فداکاری که با دشمن خارجی دعوی میکنیم دعوی کنیم...

مدرس - خلاف اصل این ملت است

وزیر مالیه - پس از نقطه نظر اصولی باید این محرز باشد که سرباز ما و نظام امروزه ما مزدور نیست

با این حال ملل متمدنه و کلیه ممالکی که همه چیزشان اداره شده و در تحت اداره می‌آید آنها چه جور این قبیل مسائل را چیران می‌کنند؟ يك راه‌های معینی دارد. معالجه است. محافظت است. حقوق تقاعد دادن است. اولادش را نگاهداشتن است و اینها هم باز مطابق رقی و تعالی ما در خط روندن شدن و بیشتر زوت پیدا کردن و اینها باید تکمیل شود. ما همه چیزمان را يك مرتبه نمیتوانیم درست کنیم. برپیش در اینجا عرض کردم (در موقعی که اشاره بجواب يك ناطق محترم دیگری می‌کردم) که ما پرگرام و نقشه اولیه مان یعنی نقطه اولیه هر نقشه که امروز ما هنوز در آن نقطه اولی هستیم مسئله بقا است تا وقتی که این مسئله محکم و محرز نشده تمام آداب و تشریفات دیگر در آن موقع مثل يك چیز نجملی است که باید برور ما آنها را درك کنیم ولی اول چیزی را که ما بایستی حفظ کنیم برای خودمان و اول نقطه پرگرامان در هر چیز مسئله بقا است و در این قسمت اولیه هر کدام از ماها بهر خاطر ای و بهر بدبختی و فلاکتی هر کس میخواهد باشد، متنفذ باشد، نظامی باشد، وکیل باشد یا وزیر، همه ماها باید تن در دهیم برای اینکه اصل اولیه را نگاه کنیم تا بعد برور تمام ممالی محکمه و صحیحه تکمیل شود و آنوقت چیزهایی که امروز بنظر ما نجملی می‌آید بنظر ما تشریفات می‌آید آرزو از لوازم و ضروریات خواهد بود این نکته که در اینجا ذکر شد در جاهای دیگر هم ملاحظه است ولی همینطور که عرض کردم درجات دارد ما امروز يك درجه تقریباً زديك بخونی را (نمیتوانم عرض کنم خوبی را) طی کرده ایم ولی برای تکمیل آنها باید منتظر وقت شد بایستی صبر کرد ما باید همه عوض اینکه تنقید کنیم عوض اینکه تضعیف کنیم عوض اینکه اگر يك روحی امروز در مملکت ما پیدا شده که این روح را در عمر خودمان ندیده ایم و آگاهی هم که از ما معمر تر بودند ندیده بودند صد سال پیش از این و دوست سال پیش از این را که من نمیدانم چه صورتی داشته ولی آن روح

سلحشوری که امروز در افراد نظامی ما پیدا شده عوض اینکه این روح را تکمیل کنیم، تقویت کنیم، تعظیمش کنیم، تکریمش کنیم، تا آن مرحله بقاراطی کنیم و برسیم بمقصود و عوض اینکه مسئله رختخواب و لحاف و اینها را بگوئیم بایستی فکر کرد و دید چه جور ما میخواهیم افرادمان را تربیت کنیم؟ تشکیلاتمان روی چه پایه و چه اساسی است؟ ممکن است که سربازهای ما نظامیهای ما مثل نظامیهای قبل که دیدیم مثلاً پیش از کرده‌شان هم بالا بروند ریششان را هم هیچوقت نتراشند یا اینکه کلاهشان بوق باشد یا اینکه اگر سفر میکنند يك عبا داشته باشند یا يك لحاف داشته باشند که وقتی مسافرت میکنند نوب برف کولشان بگیرند باروی سرشان بیندازند روز از برف و باران حفظشان کند شب هم روی خودشان بیندازند و بخوابند. این يك قسم تشکیلات دادن وعده نگاهداشتن است. البته اگر روی این اصل برویم و آقا این اصل را تجویز میکنند.

مدرس - خیر

وزیر مالیه - سالی چهار تومان نمیکشود. سالی يك تومان هم نمیکشود ولیکن ما در مملکت خودمان روی این اصل نمی‌رویم. ما میخواهیم در مملکتمان برویم روی آن اصلی که شبیه بشویم به همه مردم دنیا. یعنی سعی کنیم. حالاً نمیتوانیم بشویم. صریح اینجا عرض میکنم. نمیتوانیم بشویم ما هر قدر بخوایم خودمان را بکشیم برای يك نفر نظامی و سرباز از هیچ حیث حالاً نمیتوانیم سربازمان را مثل سایرین نگاه داریم - این ارقام حاضر است، مقایسه میخواهد شما نگاه کنید ببینید سرباز انگلیسی یا فرانسوی بکنفرش در سال چند خرج دارد؟ آنوقت این را تطبیق کنید باملفی که دولت برای بکنفر سرباز خود خرج میکند این را مقایسه کردید با هم آن وقت میبیند تفاوتش چه چیز است ما هنوز بآن مرحله رسیده ایم ولی از امروز میخواهیم عادت بدهیم سربازانمان را که لحافشان پاره نباشد. بایستی زیر

سری داشته باشند. رختخواب آنها باید عوض شود. شما حفظ الصحه سرباز را اگر ملاحظه کنید باید تمیزش نگاه دارید باید حمام بروند خودش را بشوید شیش نباید داشته باشد کثافت نباید داشته باشد رختخوابش هم باید تمیز باشد شما حالا سالی چهار تومان خرج میکنید سه سال دیگر پشت همین تریبون يك کسی را میبینید که از هشت تومان دفاع خواهد کرد و باید هم اینطور باشد شما تصور میکنید که چهل هزار عده نگاهداشتن با این پولها کار آسانی است؟ هیچ کار آسانی نیست شما حساب کنید به بیند چهل هزار نفر عده انگلیسی چند خرج دارد هیچ کار آسانی نیست اینکه بنده عرض میکنم باید به خبر رجوع کرد يك صاحبمنصبی را پیدا کنید اگر متأسفانه بعضیها پیدا شوند که نخواهند به صاحبمنصبیهای هموطن خودشان اعتماد داشته باشند بروید از اجنبی بپرسید. من آقا چشم دارم! همه آقایان چشم دارند! واله بالله من برروز وقتی در خرم آباد بودم چهل روز قوی شش هزار نفر عده زندگی کردم. این شش هزار نفر عده را که من بین آنها زندگی کردم لحاف و دوشک و حمام و همه چیزش را دیده ام. وقتی هم حرکت میکرد هر پانصد نفرش با هزار پانصد دو هزار قاطر میرفت برای نقاط اردو کشی. مخصوصاً بنده متعجب بودم و اینرا پرسیدم که در این راه های تنگ و نوح کوهستانی من میخواهم ببینم شما این هزار پانصد قاطر را چه جور حفظ میکنید برای اینکه از این قاطر اولی تا قاطر آخری که همه مجبورند مسلسل دنبال هم بروند بکیش يك قدری پائین تر بروند میغلطد. این يك فرسخ و نیم دو فرسخ طولش میشود. شما اینها را چطور حفظ میکنید اینها را بنده رفته ام آنجا و دیده ام و با آنها حرف زده ام و حالا بشما میگویم این است وضعیت شما امروز و این وضعیت باید بهتر شود. این وضعیت را شما باید برای خودتان بخواید. آقایان این را باید روشن بفرمائید آقای نقی زاده همیشه از الامم فالام صحبت میفرمایند

این حرف خیلی حساسی است ولی آن روز هم عرض کرده که ما هنوز بمرحله الامم فالام نرسیده ایم و در مرحله بقاء هستیم. در همین حالی که هستیم ملاحظه بفرمائید چه چیز برای ما اهمیتش زیاد تر است ما باید این فکر را داشته باشیم که قشون از همه چیز در این مملکت مهم تر است فعلاً هم برای ما مدرسه نیست. معلم نیست بلکه قشون است (نماینده کان صحیح است) چرا؟ برای اینکه اول باید مملکت خودتان و استقلال خودتان را از دست دشمن خارجی که بصورت دشمن داخلی در می‌آید هزار مرتبه خطرناک تر از دشمن خارجی است باید حفظ کنید و بعد کارهای دیگر را شروع کنید حفظ مملکت بچه چیز صورت میگیرد. با سر نیزه و داشتن قشون است. صحیح است) این کار را سرنیزه می کنند نه کتاب. نه معلم. البته وقتی که اینکار درست شد و تمام نقاط مملکت باین وسیله مطیع شدند آن وقت هم مدرسه میتواند درست کرد و هم معلم حالا اگر بنا شود که شما يك عایدی مثلاً صد تومان داشته باشید و او را بخواید این نظامی و قشون و معلم باین مدرسه و اداره و مستخدم خرج کنید کدام يك را ترجیح می دهید و اختیار می کنید؟ البته قشون را ترجیح میدهند (صحیح است) برای اینکه ما تجربه داریم و دیده ایم که تا پنجاه سال، شش سال، پیش دشمن خارجی بلباس داخلی جاهل که بیچاره خودش هم نمیداند کی او را باین کار واداشته در می‌آید و ناپشت دروازه شهر شما را می چایید (صحیح است) اینها يك چیز هائی است که در زندگان تا این اواخر بوده، چرا ما باید این قدر فراهموش کار باشیم؟! وقتی که این قضیه محرز شد هیچ تردید نیست که عوض ده ملیون پانزده ملیون باید خرج قشون کرد، و هر چه شما در این مورد خرج کنید جای دوری نمیرود و اگر شما در يك مرحله دیگری غیر از این مرحله بودید البته این سیاست صدق نمیکرد.

مدرس - حالا هم صدق نمیکند

وزیر مالیه - اما امروز این سیاست صدق میکند برای اینکه شما اگر ده ملیون خرج قشون میکنید و پشت همین زیربون بنده و جنابعالی افاده میکنیم از تصدق سر همین نظامی است که دارید و الا شما این بیست و پنج ملیون را از کجا می آورید که بودجه عمومی مملکت قرار دهید و بعلاوه مخارج راه سازی را بدهید و مقدار معتناهی را بطور اختصاص برای راه آهن - تخصیص بدهید؟ این پول را از کجا آورده اید؟! مگر در این مملکت اخیراً سنجی پیدا شده؟! بنده هر چه فکر می کنم هیچ وسیله نمی بینم مگر بواسطه امنیت این امنیت را در مملکت کی ایجاد کرده؟ سر نیزه؟ (صحیح است) شما اگر معتقد نباشید که امروزه نصف عوایدتان را صرف سر نیزه و قشون بکنید فردا اصلاً پنج ملیون عایدی هم پیدا نخواهید کرد که لوطی اجلافیش را بکنید پس حقایق را باید درست در مقابل چشم دید بنده نمیخواهم بیشتر از این در این قسمت داخل شوم و مسئله را تعقیب کنم ولی همینقدر خوشوقتم از اینکه اگر اظهارات آقای مدرس تضعیف کننده و کدر کننده بود ولی موافقت هائی که بعد آقایان باعراض بنده کردند کاملاً مسئله را جبره کرد و بر قلوب تمام افراد نظامی که این حرف ها را می شنوند مؤثر خواهد بود

رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای مدرس

مدرس - اجازه میفرمائید سوء تعبیری شده که باید رفع کنم

رئیس - لازم است خدمت آقای مدرس عرض کنم که حضرت عالی بهیچوجه مراعات نظامنامه را نمیفرمائید و کار بنده را هم مشکل میکنید تقریباً ده برابر آنچه که باید بفرمائید در پیشنهاد مذاکره میفرمائید و بعلاوه نسبت با آقای وزیر مالیه يك چیزی فرمودید که مشمول ماده ۱۲۹

مدرس - خوب است بفرمائید

رئیس - بنده اخطار نکردم. بجهت این که آن لفظی که فرمودید از اخطار بیشتر مجازات داشت ولی چون در موضوع ماده ۶۳ اخطار کردم و آقایان موافقت نکردند این بود که بنده متعرض آن ماده نشدم حالا هم خواهش میکنم از اینموضوع صرف نظر بفرمائید زیرا ممکن است مذاکراتتان ادامه پیدا کند

مدرس - بنده سوء تفسیر آقای وزیر را خواستم رفع کنم زیرا ایشان قشون روی کاغذ را با قشون بیرون اشتباه کردند.

رئیس - پیشنهاد آقای رفیع

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بمصره پیشنهادی کمیسیون بودجه باین نحو اصلاح شود

بصره - مستخدمین اداری حق تدریس موظفاً باستثناء مدارس عالی ندارند و وزارت مالیه مکلف است بهیچ عنوان دو حقوق بیک نفر ندهد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کردم يك پیشنهادی در کمیسیون بودجه شده بود بعنوان بصره آقایان هم رای دادند بالاخره باینصورت در آمد و در نظر بود در موقعی که بودجه معارف مطرح میشود استدعا شود که این ترتیب باین شکل اصلاح شود. حالا چون بودجه بشکل ماده واحده به مجلس آمده استدعا دارم این طور اصلاح شود. اما مدارس عالی که مستثنی شده برای اینست که معلم نداریم و بعضی از آقایان مجبورند علاوه بر استخدامی که دارند در مدارس عالی هم با حقوق کم تدریس کنند زیرا اگر ما نخواهیم آنها را هم مستثنی کنیم آنوقت ناچاریم با حقوق عالی مثلاً سیصد تومان چهار صد تومان از خارجه معلم بیاوریم و این البته بضرر دولت است. از این جهت بنده در پیشنهاد

خودم مدارس عالی را که مدرسه طب و حقوق باشند مستثنی کردم.

وزیر مالیه - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم و مخصوصاً تأیید هم میکنم. برای اینکه البته آقایان متوجهند که این مدارس عالی که امروزه ما داریم باید در آئیه يك اشخاصی را تربیت کنند که خودشان بتوانند در آنجا تدریس کنند از این جهت بنده کاملاً با این پیشنهاد موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای زعیم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مصارف اسفند ماه نیز مانند سایر شهور هذه السنه از روی بودجه ۱۳۰۴ پرداخته شود

رئیس - آقای زعیم

زعیم - این پیشنهاد را بنده از دو نقطه نظر تقدیم کردم نظر اولم راجع باصل بودجه است در اینجا مگر راجع باهویت بودجه و اینکه بودجه تفصیلی باید بمجلس بیاید تا هر يك از آقایان نظریاتی که در اطراف آن دارند اظهار دارند صحبت و مذاکره شده و این البته برای این بوده که هر يك از آقایان نظریاتی که راجع به تشکیلات مملکتی و کلیات بودجه دارند اظهار بفرمایند و این کار نشده و يك دلیل مهم این مسئله همین مذاکرانی بود که الان در جریان بود و شاید قریب يك ساعت وقت مجلس را گرفت. آقای وزیر مالیه راجع بیک قسمت از بودجه وزارت جنگ در این جا توضیحاتی دادند و البته بودجه های دیگری هست که هر کدام از آنها لایق است که مدنها اطرافش مذاکره شود يك نظری در کار است و این است که آیا در مملکتی که یازده ملیون خرج تشکیلات قشون می شود به تناسب این مبلغ چقدر باید صرف معارف بشود؟

راست است که سر نیزه محترم است. ولی معارف هم محترم است و باید بهمین نسبت معارف را هم ترقی

داد. این ها يك قضایا و نظریاتی است که در موقع بودجه باید مذاکره شود خلاصه این يك نظر بنده بود که عرض کردم و عقیده دارم حالا که یازده ماه از سال مطابق سنه ۱۳۰۴ پرداخته شده این يك ماه هم همینطور پرداخته شود منتهی این بودجه که امسال در کمیسیون بودجه تنظیم شده ملاک و مدرک زمینه باشد برای مذاکرات در بودجه ۱۳۰۷ که بعد خواهد آمد و در اطراف آن مفصلاً مذاکره خواهد شد نظر دیگر بنده از این پیشنهاد این بود که بطوری که اخیراً بنده اطلاع پیدا کرده ام متجاوز از هفتصد هشتصد نفر از اعضاء و زارعالیه را آقای وزیر مالیه بیکار کرده اند در صورتیکه در جلسه قبل در همین جا اظهار کردند این عده را که بیکار کرده ایم از اول فروردین با ادارات دیگر از قبیل ثبت اسناد و سجل احوال پذیرفته خواهند شد و بانچه ها منتقل میشوند بنده نفهمیدم چرا با این علاقه که آقایان در تعمیم امنیت اظهار میدارند باین امر راضی شدند خوب بود باین امنیت صوری که پیدا شده معنویت بدهیم (جمعی از نمایندگان - معنویت دارد) و طوری نکنیم که در این شب عید و ایام نوروز يك جمعیت کثیری برای يك تفاوت جزئی از کارشان محروم شوند بهتر این بود که این يك ماهه بانها مهلت داده میشد تا اول فروردین و آنوقت آنها را منتقل با ادارات دیگر میکردند از این دو نقطه نظر بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم در ضمن پیشنهادشان می خواهند تمام زحمات کمیسیون بودجه را محو کنند - این ماده واحده که در اینجا مطرح شد در اطرافش يك حرفهائی که بر خلاف نظریه و انتظار همه آقایان بود زده شد حتی نمایندگان مرکز هم حاضر نبودند که این حرف ها را بشنوند بالاخره پس از این همه مذاکرات دیگر مورد ندارد که باز بودجه بلا تکلیف بمال مستخدمین می آید که از مالیه بیرون رفته اند البته همه شان

لوگو و مستخدم این ملت و از اهل این مملکتند و برای آنها در ثبت اسناد و سجل احوال و سایر شعب کار پیدا خواهد شد و جای نگرانی و محتاج به توصیه شما نیست.

رئیس -- رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای روحی (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که مدارس عالی نام برده شود نامورد اشکال در آتیه نشود

رئیس -- آقای روحی

روحی -- چون در مجلس اسمی از مدارس عالی برده شد نظر بنده این است که خوب است توضیح داده شود مدارس عالی کدامند تا فردا اسباب زحمت فراهم نشود و الا فردا تمام مدارس مدارس عالی قلمداد خواهند شد. بنده کاری باصل مطلب ندارم ولی غرضم این است حالا معلوم شود که مدرسه طب و مدرسه حقوق و مدرسه سیاسی یا فرضاً مدرسه فلاحت تجارت جزو مدارس عالی محسوب خواهند بود تا در آتیه تولید اشکال نکنند.

وزیر مالیه -- بنده از نماینده محترم شما دارم اجازه بدهند که ما در عرف اصطلاح و در زندگانی خودمان کلماتی را که داریم و معانی که آنها دارند همینطور محفوظ بماند اگر يك وقت يك اشخاصی پیدا شده اند کلمات و الفاظ را از معانی خودشان منحرف کنند ربطی به موضوع ندارد و از آنها باید جلوگیری کرد نه اینکه ما حالا بیائیم و پایه و اساس مطلب را کج بگذاریم این خوب نیست مدارس و تمام دنیا يك معلومات و شرایط و مقرراتی دارد که مدارس ابتدائی و متوسطه ندارند. اگر شما فرض می کنید يك اشخاصی پیدا میشوند که

سوء استفاده از معانی کلمات میکنند و مدرسه متوسطه را بجای مدرسه عالی قلمداد می کنند البته ما نباید بگذاریم و این قید را هم از حالا نمیشود در باره مدارس عالی کرد زیرا اگر ما امروز يك مدارس عالی زیادی نداریم ممکن است است فردا پیدا کنیم. و شاید مثلاً چندین مدرسه عالی از قبیل مدرسه مهندسی و غیره که حالا نداریم بعد پیدا کنیم از این جهت بنده از آقای روحی استدعا دارم پیشنهادشان را مسترد بدارند

روحی -- بنده مسترد میدارم

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده واحد...

وزیر مالیه -- يك اصلاح مختصری هست که بنده میخواهم از آقایان اعضاء محترم کمیسیون بودجه بخواهم که در این قسمت با بنده مساعدت فرمایند و از آنجا که همیشه با نهایت کشادروئی بودجه معارف را تلقی میکنند در این موقع هم که بنظر بنده يك ظلمی شده خوب است این را رفع و اصلاح فرمایند بنده تقاضای کمی هزار و دویست تومان بر بودجه معارف افزوده شود یعنی بر کل مبلغ مصوب کمیسیون باید افزوده شود و مجلس را هم از تفاوتی که در جمع و خرج حاصل میشود تأمین میکنم و این مبلغ هم راجع است به خرج تحصیل دو نفر پسر های آقای فرزند وزیر مختار ما در برلن. هیچ دلیل ندارد که این مخارجی را که همیشه داده میشد امروزه ما قطع کنیم. در کمیسیون بودجه هم گمان نمیکنم متعمداً این کار شده باشد. از این جهت بنده پیشنهاد میکنم این مبلغ هزار و دویست تومان بمبلغ مصوبه کمیسیون علاوه شود و این را هم توضیحاً عرض میکنم که اگر کمیسیون این تفاوت را برای يك محلی در نظر گرفته آن نظر تأمین میشود و محل نگران نیست.

مخبر -- بنده از طرف رفقا عرض میکنم در این موقعی که این قلم حذف شده شاید این نکته در نظر رفقا نبود که بازده ماه از سال این مبلغ برداشته شده بعلاوه

بکسال دیگر بیشتر بانها دوره تحصیلات پسر های آقای فرزند باقی نمانده دوات هم چندین سال است که این خرج را کرده و این وجه را داده است و حالا موقع گرفتن نتیجه است از این جهت آقایان به بنده مأموریت میدهند که این تقاضا را قبول کنم.

رئیس -- رای گرفته میشود بماده واحد...

باسائى اجازه میفرمائید.

رئیس -- بفرمائید

باسائى -- يك پیشنهادی آقای استرآبادی کردند که در مجلس قابل توجه شد. چون حالا رای گرفته میشود نسبت بماده واحد باید رأی قطعی نسبت بآن پیشنهاد گرفته شود و تکلیفش قبلاً معلوم شود. و بعد رای بماده بگیریم.

رئیس -- آن پیشنهاد قابل توجه شد. حالا باید رای قطعی بگیریم مگر این که تجزیه اش را تقاضا کنید.

وزیر مالیه -- اولاً بنده استدعا می کنم اگر نظامنامه اجازه میدهد آقای استرآبادی موافقت کنند و پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند و اگر موافقت نمی کنند و نظامنامه هم اجازه نمیدهد از آقایان استدعا میکنم در موقع رای قطعی تجزیه فرمایند در موقعی که این پیشنهاد شد بنده در مجلس نبودم که توضیحات خودم را عرض کنم. واحد پول همیشه باید آن قسمت کوچک پول باشد. تومان ده قران است و بنا بر این از اضعاف پول ما محسوب و شمرده میشود گذشته از این اصولاً از نقطه نظر زندگانی اقتصادی ما این مسئله يك تأثیر مهمی خواهد داشت. الان عادت ما بر این است که همیشه تومان بگوئیم و این بر سر زبانهای ما جاری است هنوز قران در ادارات ما کاملاً رسوخ پیدا نکرده و يك قسمت مهم از این عدم اهمیتی که ما بقران میدهیم. رای همین عادت است مثلاً بجای صد تومان اگر بخواهیم هزار

قران بادرعوض هزار تومان ده هزار قران تصویب کنیم بنظرمان مشکل تر میاید ولی بنده عقیده ام این است که ما باید سعی کنیم که این عادت خودمان را تغییر داده و واحد پول مان را قران قرار دهیم و همیشه با قران حساب کنیم باین ملاحظه بنده تقاضای تجزیه میکنم و از آقایان محترم تقاضا دارم باین پیشنهاد بنده موافقت نمایند.

رئیس -- ماده واحد را با اصلاحاتی که مورد قبول واقع شده عرض میکنم بدو رأی بگیریم بقیام و قعود و چون تقاضای تجزیه شده بعد رأی بگیریم با اوراق يك فقره پیشنهاد آقای نامداد و ملك مدنی است که قبول شده قرائت میشود (باین عبارت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بر ماده اضافه شود برعایت تبصره سوم بودجه معارف

نامداد -- ملك مدنی -- خطیبی

وزیر مالیه -- بنده عرض کردم مقصود یکی است ولی باین ترتیبی که نوشته شده خوب نیست و مثل این است که بقی تبصره ها مصوب کمیسیون بودجه نباید رعایت شود در صورتیکه وقتی مجلس به بودجه رأی میدهد در واقع به بودجه با تبصره ها رأی میدهد حالا اگر آقایان می خواهند این در قانون باشد عین آن تبصره را بعنوان تبصره بخود ماده علاوه کنند

رئیس -- يك تبصره دیگری است بعنوان تبصره دوم قرائت میشود (این کمیسیون خوانده شد)

تبصره دوم -- بودجه مؤسسات و حقوق مشاغل که از اعتبارات عوارض معارف بر بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف منتقل گردیده است و همچنین حقوق و مصارف کلاسهای جدید التاسیس از تاریخ انتقال و تاسیس پرداخت خواهد شد

رئیس -- پیشنهاد آقای حاج آقا رضا رفیع (باین مضمون خوانده شد)
تبصره سوم - مستخدمین اداره حق تدریس موظفاً (باستثنای مدارس عالی) ندارند و وزارت مالیه مکلف است بهیچ عنوان دو حقوق بیک نفر ندهد
رئیس -- یکی هم پیشنهاد آقای شیروانی است (باین شرح خوانده شد)
بجای رقم جمع باید رقم ذیل نوشته شود دو بیست و پنج و هشت میلیون و بیست و پنج هزار و هشتصد قران شیروانی - این رقم خرج را بنده اصلاح کرده ام وزیر مالیه - بلی همینطور است مخبر -- آن هزار و دو بیست تومان هم که آقای وزیر تقاضا کردند ضمیمه این مبلغ شده
رئیس - ماده واحده قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)
ماده واحده - مجلس شورای مینی عایدات مملکتی را از بابت ۱۳۰۶ مطابق تشخیص بجزء کمیسیون بودجه که بالغ بر مبلغ دو بیست و پنج و هشت میلیون و بیست و پنج هزار و هشتصد قران است تصویب و به وزارت مالیه اجازه میدهد که حقوق و مصارف هذه السنه وزارت خانها و ادارات دولتی و مستمریات و شهریه ها و حقوق منتظرین خدمت و سایر مخارج مملکتی را بر طبق بودجه های تفصیلی که در کمیسیون بودجه تصویب شده و جمیع آن به دو بیست و چهل يك میلیون و پانصد و سی هزار و هشتصد و پانزده قران و ششصد دینار بالغ میگردد یا بر طبق قانون محاسبات عمومی و قانون استخدام کشوری و سایر قوانین مربوطه در اسفند کار سازی دارد

تبصره :- مبلغ يك میلیون و صد و هشتاد هزار لیره از عایدات ۱۳۰۶ فقط جنوب در جزو عوائد ۱۳۰۷ منظور شده معادل مبلغ بیش بینی شده در بودجه ۱۳۰۷ از این بابت از

محل اضافه وصولی سایر منابع عایدات ۱۳۰۶ برای مخارج مربوطه تخصیص داده میشود.

رئیس -- رای گرفته میشود باین ماده واحده با سه تبصره
آقا سید یعقوب - مال بنده چه شد.

رئیس -- پیشنهاد جناب عالی را درست کردند . رای گرفته میشود بماده واحده با سه تبصره بضمیمه اصلاح پیشنهادی آقای استرآبادی . آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس -- تصویب نشد . حالا رای گرفته میشود با ورقه بماده واحده و سه تبصره بدون پیشنهاد اصلاحی آقای استرآبادی آقایانیکه موافقت ورقه سفید و الا ورقه کبود خواهند داد .
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول نود و يك - ورقه کبود علامت رد يك .

اسامی موافقین

آقایان : فرهمند - نگهبان - بنی سلیمان - دولتشاهی نجومی - حشمتی - میرزا عبدالحسین - دیوان بیگی سلطان محمد خان عامری - طاهری - ضیاء - آقا زاده سبزواری - مسعود - ذوالقدر - حقنویس - محقق - جهانشاهی فهیمی - فرشی - سید کاظم - اسکندری - ثابت - ابراهیمی مقدم - وکیلی طباطبائی - میر ممتاز - ملک آرائی خوئی - پالیزی - امیر اسدالله خان عامری - عدل مولوی - مفتی - کازرونی - ارباب کیخسرو - سا کیندیان افسر - ایه الله زاده خراسانی - صالحی - وزیری - روحی محمد ولی میرزا - محمد اخوند - دکتر سنک - دهستانی باسائی - اسعد - میرزا عبدالله خان معتمد - خواجری سید حسین آقایان - یور تیمور - جمشیدی - شریعت زاده اسفندیاری - آقا علی زارع - مرتضی قلیخان بیات - دکتر رفیع

خان امین - جلای - حیدری - زوار - افشار - حاج آقارضا - رفیع - شیخ الاسلام ملاری - ابلخان - موقر - عباس میرزا فوهنی - طباطبائی دیبا - دکتر لقمان - امام جمعه اهر - ثقة الاسلام بروجردی - بهار - ثقة الاسلام معتمد التولیه - بهبهانی - سید یعقوب - معظمی - ملک مدنی - خطیبی - عمادی - فرمند - جوانشیر - عصر انقلاب شیروانی - عراقی - امام جمعه شیراز - کلالی - دشتی احتشامزاده - کی استوان - داد کر مخالف آقای تقی زاده

رئیس -- عده حضار صد و سه . یا نود و يك رای تصویب شد
وزیر مالیه - تقاضا میکنم - يك دوازدهم بهمین هم چون اتصال با این لایحه دارد مقرر فرمائید مطرح شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- ماده واحده قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی را بابت بهمین ماه ۱۳۰۶ بمیزان يك دوازدهم بودجه ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ و بر طبق قوانینی که شامل این قبیل پرداخت ها میشود برسم علی الحساب پردازد .

رئیس -- فوربتش مطرح است . آقای احتشامزاده احتشام زاده - موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم . دولت که تقاضای فوربت نکرده .

وزیر مالیه - چرا تقاضای فوربت شده

رئیس -- دیگر مخالفی نیست

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس -- رای گرفته میشود بفوربت . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد . در اصل لایحه مخالفی نیست بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس -- پس رای میگیریم با ورقه . آقایانیکه موافقت ورقه سفید و الا ورقه کبود خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول هشتاد و شش

ورقه کبود - علامت رد يك

اسامی موافقین

آقایان : نگهبان - امیر اسد الله خان عامری - دکتر لقمان - ملک آرائی - عباس میرزا - پالیزی - پور تیمور - فرشی - سا کینیان - عدل - محمد ولی میرزا - ارباب کیخسرو - معظمی - میرزا حسن آیه الله زاده - وزیری - دکتر رفیع خان امین - اسعد - مفتی - ابلخان - طباطبائی دیبا - زوار - دهستانی - روحی - دکتر سنک - فوهنی - ثقة الاسلامی - وکیلی طباطبائی - آقا علی زارع ذوالقدر - اسفندیاری - دشتی - خواجری - افسر - عصر انقلاب - آقا زاده سبزواری - محمد اخوند - صالحی سید حسین آقایان - جمشیدی - باسائی - جلای - شریعت زاده - مرتضی قلیخان بیات - فرمند - عراقی موقر - دیوان بیگی - سلطان محمد خان عامری - ابراهیمی جهانشاهی - اسکندری - محقق - خطیبی - حاج آقا رضا رفیع - میرزا عبدالله خان وثوق - شیروانی - دولتشاهی - میر ممتاز - بهار - حیدری سید یعقوب - امام جمعه اهر - ملک مدنی - شیخ الاسلام ملاری - امامی - ثقة الاسلام بروجردی - بنی سلیمان - عمادی امام جمعه شیراز - احتشامزاده - کی استوان - افخمی - نجومی - افشار - طاهری - مقدم - مسعود - سید کاظم

حاج آقا حسین -- فهیمی -- دادگر -- حشمتی -- ضیاء - رئیس -- آقای روحی راجع بلاجه اتوبوس رانی تقاضای میرزا عبدالحسین -- حقنویس دو فوریت کرده اند ولی چون آقای عمادی پیشنهاد ختم ورقه کبود -- آقای نفی زاده جلسه کرده اند میباید برای جلسه بعد رئیس -- عده حضار صد با هشتاد و شش رای بعضی از نمایندگان - صحیح است تصویب شد (مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد) جمعی از نمایندگان -- ختم جلسه

قانون

اجازه پرداخت $\frac{1}{12}$ بودجه ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ بابت مخارج مملکتی

در بهمن ماه ۱۳۰۶

مصوب ليله سیزدهم اسفند ماه یکمزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی را بابت بهمن ماه ۱۳۰۶ بمیزان يك دوازدهم بودجه ها و اعتبارات مصوبه ۱۳۰۵ و بر طبق قوانینی که شامل این قبیل پرداخت ها می شود به رسم علی الحساب بردارد این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ليله سیزدهم اسفند ماه یکمزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی حسین پرنیا

قانون

بودجه سال ۱۳۰۶ مملکتی و اجازه پرداخت مخارج مملکتی بر طبق تشخیص

کمیسیون بودجه در اسفندماه ۱۳۰۶

مصوب ليله سیزدهم اسفندماه یکمزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - مجلس شورای ملی عایدات مملکتی را از بابت ۱۳۰۶ مطابق تشخیص بجزء کمیسیون بودجه که بالغ بر مبلغ دو بیست و پنج و هشت ملیون و بیست و پنج هزار و هشتصد قران است تصویب و وزارت مالیه اجازه میدهد که حقوق و مصارف هذه السنه وزارتها و ادارات دولتی و مستعریات و شهریه ها و حقوق منتظرین خدمت و سایر مخارج مملکتی را بر طبق بودجه های تفصیلی که در کمیسیون بودجه تصویب شده و جمع آن دو بیست و چهار و يك ملیون بانصد و چهل دو هزار و هشتصد و بازده قران و ششصد دینار بالغ میگردد با تطبیق قانون محاسبات عمومی و قانون استخدام کشوری و سایر قوانین مربوطه در اسفند ماه کار سازی دارد.

تبصره ۱ - مبلغ يك ملیون و صد و هشتاد هزار لیره از عایدات ۱۳۰۶ نطف جنوب تصویب در جزء عوائد سنه ۱۳۰۷ منظور شده و معادل مبلغ پیش بینی شده در بودجه ۱۳۰۶ از این بابت از محل اضافه وصولی و سایر

منابع عایدات ۱۳۰۶ برای مخارج مربوطه تخصیص داده میشود

تبصره ۲ - بودجه مؤسسات و حقوق مشاغل که از اعتراضات عوارض معارفی به بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف منتقل گردیده است و همچنین حقوق و مصارف کلاس های جدید التاسیس از تاریخ انتقال و تاسیس پرداخت خواهد شد

تبصره ۳ - مستخدمین اداری حق تدریس موظفاً (باستثناء مدارس عالی) ندارند و وزارت مالیه مکلف است بیچ عنوان دو حقوق بیک نفر ندهد

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ليله سیزدهم اسفند ماه یکمزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی حسین پرنیا